

**«چالش قانون» سیاست‌های کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (۶) را معرفی، نقد و بررسی میکند:**

# تداوم ناکارمدی سیاست های کلی بر نامه دوم توسعه تا امروز؟!

دکتر محمدرضا ناری ایبانه

**اشاره:** سیاست های کلی نظام در زمینه ها و موضوعات گوناگون از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و تصویب و جهت اجرا به قوای سه گانه ابلاغ شده است. بررسی های میدانی موید این واقعیت است که سیاست های کلی از سسوی قوای سه گانه آنطور که باید و شناید مورد توجه قرار نگرفته است. بسیار بیجاست که نخبگان و اندیشمندان با عمل به رسالت تاریخی، نقطه نظرات خود را پیرامون سیاست های کلی و نقش و کارآمدی آن در جامعه بیان کنند. گو اینکه تاکنون از سوی قوای سه گانه و مجمع تشخیص مصلحت نظام گزارش عملکرد سیاست های کلی منتشر نشده است، بررسی های جامعه نگر موید این حقیقت است که سیاست های کلی برنامه پنج ساله دوم توسعه (مصوب ۱۳۷۲/۰۸/۱۸) نه فقط در دوره برنامه دوم بلکه تا امروز یعنی پس از گذشت ۲۷ سال نیز اجرایی نشده است. این نوشتار به معرفی، نقد و بررسی سیاست های کلی برنامه پنج ساله دوم توسعه می پردازد که هم اکنون از نظر خوانندگان می گذرد:

**سیاست های کلی برنامه پنج ساله دوم توسعه**

آنچه سیاست‌های حاکم بر برنامه دوم را تشکیل می دهد پس از لحاظ کردن احکام شریعت اسلامی که اصل مقرر در قانون اساسی است و به معنای آن است که باید همه مواد برنامه در بخش‌های اقتصادی و پولی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و غیر آن با ظواهر احکام فقهی هیچگونه تعارض و تنافی نداشته بلکه در همه موارد مذکور در فقه اسلام بر آن منطبق باشد، به ترتیب زیر است:

۱- رعایت عدالت اجتماعی در؛  
الف: تقسیم پهنه منابع و امکانات عمومی.  
ب: دریافت مالیات بر حسب برخورداری از درآمد.  
ج: حمایت جدی و قانونی از اقشار مستضعف جامعه در زمینه‌های مربوط به خدمات دولت و قوه قضائیه.

د: بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاستاها در زمینه‌های مختلف، خاصه، ایجاد اشتغال، بهداشت توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی. ه: اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از هر آنچه منجر به فرامد‌های باد آورده می‌شود.

و: ایجاد زمینه‌های اشتغال با رعایت استعدادها و اولویت‌های منطقه‌ای.  
ز: گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی.  
۲- تقویت و ترجیح ارزش‌های انقلابی در عرضه کردن منابع مالی و امکانات دولتی یا اولویت دادن به کسانی که این منابع را در راه توسعه کشور و رشد آرمان‌های انقلابی و اسلامی به کار می‌برند و کسانی که در راه تحکیم انقلاب و نظام اسلامی تلاش بزرگی کرده‌اند از قبیل اینارگران و رزمندگان و بسیجیان.

۳- گسترش تولید داخلی بویژه در زمینه کشاورزی، و تأمین نیازهای اساسی جامعه و کاهش واردات اجناس مصرفی و غیر ضرور، همراه با افزایش کیفیت فرآورده‌ها در کشور و توسعه صادرات غیرنفتی.  
۴- تصحیح و اصلاح نظام اداری و قضایی تا رسیدن به وضعی که بتواند برنامه را در جهت هدف‌هایش به درستی اجرا کند، بوسیله کاستن از حجم، افزودن بر تحرک و کارایی، بکارگیری مدیران لایق، آمین و متعهد، تنظیم قوانین مورد نیاز، تعبیه نظام نظارت و پیراستن عیوب اخلاقی مانند کم‌کاری، رشوه‌خواری، بی‌تفاوتی در انجام وظایف و کاغذبازی در هر گوشه معیوب از آن.

۵- اهتمام لازم به بخش‌های اجتماعی و توسعه سهم آن در برنامه از قبیل: امنیت عمومی و قضایی، فرهنگ، آموزش همگانی، بهداشت و درمان، آموزش عالی و تحقیقات، حفظ محیط زیست و تربیت بدنی.

۶- جهت دادن کلیه فعالیت‌های اجرایی و تبلیغی به سمت رشد معنویت و فضیلت اخلاقی در جامعه، تعمیق و گسترش حساسیت‌ها و باور دینی، گسترش ارزش‌های انقلابی، حفظ کرامت انسانی، ایجاد نظم و قانون‌پذیری و روحیه کار و تلاش و خوداتکایی و قناعت و جلوگیری از اسراف و مصرف‌گرایی و پرداختن به زواید.

۷- رعایت اولویت در سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و غیرزیربنایی با هدف تکمیل زیربیه تولید برای مصرف داخلی و صادرات و بی‌نیازکردن کشور از خارج در مصارف عمده و نیازهای اساسی و همچنین در تکمیل طرح‌های نیمه تمام و تأمین حداقل نیازهای دفاعی کشور، و جلوگیری از سرمایه‌گذاری در اموری که با این هدف‌ها ناسازگار است و موجب هدر دادن سرمایه‌ها و یا تضییع منابع می‌گردد.

۸- توجه و عنایت جدی بر مشارکت عامه مردم در سازندگی کشور و رعایت چهارچوب زی در امر واگذاری مؤسسات اقتصادی به مردم؛  
الف- امر واگذاری در جهت تحقق اهداف برنامه باشد و خود هدف قرار نگیرد.  
ب- در چهارچوب قانون اساسی صورت پذیرد.  
ج- موجب تهدید امنیت ملی و یا تزلزل حاکمیت ارزش‌های اسلامی و انقلابی نگردد.  
د- به خدشه دار شدن حاکمیت نظام یا تضییع حق مردم و یا ایجاد انحصار بینامد.

هـ- به مدیریت سالم و اداره درست کار توجه شود.  
۹- اتخاذ تدابیر لازم برای نظارت شایسته و پیوسته بزر اجرای برنامه و جلوگیری از اعمال سلیقه‌های فردی و بخشی.

۱۰- تقویت بنیه دفاعی کشور در حد نیاز و در محدوده سیاست‌هایی که اعلام می‌گردد.

۱۱- رعایت نکات زیر در سیاست‌های پولی و بانکی:  
الف- امحاء تدریجی استقراض داخلی.  
ب- اتخاذ تدابیر لازم برای احیای سنتت قرض‌الحسنه در مجموعه بانکی کشور.

ج- تسهیل دریافت اعتبار برای کسانی که از توانایی‌های کاری و فکری و فنی برخوردارند.  
د- اتخاذ تدابیر لازم برای دچار نشدن کشور به استقراض خارجی و تلاش برای رهایی تدریجی از تعهدات فعلی.

۱۲- رعایت اصول اعلام شده جمهوری اسلامی در سیاست خارجی و توجه اکید به عنایوت عزت و حکمت و مصلحت در این روابط.

توجه: «چالش قانون» برای انعکاس پاسخ های مجمع تشخیص مصلحت نظام یا اعضای آن، اعلام آمادگی می نماید. ضمنا از ارائه نقد و پیشنهادات مشتقانه عموم اندیشمندان و نخبگان پیشاپیش سپاسگزار است.

**نقد و بررسی سیاست های کلی**

- خلط سیاست های کلی با اجرا و برنامه های اجرایی

معنای سیاست کلسی در ادبیات برنامه ریزی جهان و ایران دارای مفهوم سرنوشتی است. سیاست های کلی راهبردهای عمده و کلانی است که از بین مسیرهای متعدد قابل دستیابی انتخاب می شوند تا بتوان در بلند مدت به کمک آنها چشم انداز و اهداف مرتبط با آن را محقق ساخت (مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، جلد دوم، صفحه ۸۶۷ و نظام برنامه ریزی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷). سیاست های کلی مجموعه ای از جهت گیری ها و راهبردهای کلان نظام برای تحقق آرمان ها و اهداف قانون اساسی در دوره زمانی مشخص می باشند (گزارش

کار گروه مشترک برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷).

در مواردی از سیاست های کلی برنامه های کلی پنج ساله دوم توسعه، موضوع سیاست های کلی با

برنامه های اجرایی و اقدامات عملی خلط شده است. کارایی اجرای این اهداف در ادبیات برنامه ریزی اجتماعی با سیاست های کلی دارای تفاوت های اساسی است.

- خلط سیاست های کلی با اهداف

هدف عبارت است از غایت خواسته های جامعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که منبت از نظام ارزش های حاکم بر جامعه است و برنامه ها برای دستیابی به آنها تدوین می شوند. هدف مکن است کمی یا کیفی باشد ولی دارای این ویژگی است که در پایان زمان برنامه می توان درجه نسبی تحقق آن را تعیین کرد (مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، جلد دوم، صفحه ۸۶۷ و فرهنگ توصیفی واژگان برنامه ریزی و توسعه، صفحه ۳۰۳). در مواردی از سیاست های کلی برنامه پنج ساله دوم توسعه با اهداف خلط شده است. کارایی اهداف در ادبیات برنامه ریزی اجتماعی با سیاست های کلی دارای تفاوت های اساسی است. تشخیص سیاست های کلی از اهداف کار دشواری است و مطالعه دقیق و تجربه کار با واژگان کلان در برنامه های اجتماعی می تواند راهگشا باشد.

- ناهماهنگی سیاست های کلی با اسناد فرادست کشور

از آنجا که ارتباط سیاست های کلی با اسناد فرادست کشور بصورت آرگانستیک برقرار نیست، وجود ناهماهنگی در برنامه ریزی و اجرا بین سیاست های کلی برنامه پنج ساله دوم توسعه و اسناد فرادست کشور کاملا قابل پیش بینی است. این دست ناهماهنگی ها در برنامه ریزی و اجرا، مجریان و برنامه ریزان رده های پایین تر را در کار با این سیاست ها مردد می سازد و زمینه را برای سوء استفاده های احتمالی مهیا می کند. از این رو دست آنها برای هر گونه اقدام دلخواه باز است تا به نحو مورد نظر خود و احياناً منافع شخصی و گروهی خود از آن بهره برداری کنند.

- وجود سیاست های کلی بدون تکلیف در اسناد فرادست

در موارد متعدد سیاست های کلی بصورت خودمختار در نقش اسناد فرادست ظاهر شده اند و تکالیف دیگری بدون پایه و اساس فرادستی برای مجریان قانون ایجاد کرده است. این امر ضمن ایجاد خلل در سلسله مراتب قانون در کشور، مجریان قانون را در اجرای سیاست های ناهماهنگ و ناهمگون دچار تردید می کند. با وجود این دست ناهماهنگی ها نمی توان به تحول آفرینی قوانین امیدوار بود و باید منتظر آثار و عواقب سوء بروز اختلالات ناشی از ناهماهنگی های شکلی و ماهیتی سیاست ها بود. از این روست که برخی معتقدند که اسناد فرادست در کشور مورد بی اعتنائی و بی مهری قرار گرفته اند و ظاهرا بنا نیست بطور کامل اجرایی شوند.

- عدم وجود رابطه ارگانیک بین سیاست های کلی و برنامه های پنج ساله



**بررسی حیات اجتماعی سیاست های کلی نظام در طول سه دهه گذشته  
بیانگر این موضوع است که علیرغم فعالیت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام تا چند سال پیش در مجمع، کار تخصصی و مبنایی پیرامون سیاست های کلی نظام انجام نشده است.  
برخلاف روش جاری مجمع در تدوین و تصویب سیاست های کلی، با ملاحظه علایم ناکارآمدی به این سیاست ها با ضمانت اجرای کارآمدی تغییر کند.**

توسعه و برنامه های سالانه سیاست های کلی با بدنه نظری و مفاهیم پایه برنامه های پنج ساله توسعه و برنامه های سالانه کشور دارای ارتباط و اتصال ارگانیک نیست. نمی توان ارتباط آنها را با هم به لحاظ روشی درک کرد. بی ارتباطی این دو با هم موجب سرگردانی هر دو شده است. برنامه های پنج ساله توسعه و برنامه های سالانه یکی پس از دیگری می آیند و از کنار مشکلات زندگی مردم می روند و در حل آنها ناتوانند. سیاست های کلی آنگاه دارای توانایی اجرا خواهند بود که از طریق برنامه های توسعه پنج ساله خود را در برنامه های سالانه کشور تعریف کنند.

- تلاش ناکافی کمیسیون های مربوطه در مجمع  
شاید به جرات بتوان ادعا کرد که تدوین و تصویب سیاست های کلی برای یک نظام، دشوارترین یا یکی از دشوارترین کارهای جامعه است. اینگونه به نظر می رسد که کمیسیون های اصلی مجمع تشخیص مصلحت نظام از وحدت رویه در تدوین سیاست های کلی برخوردار نیستند. کمیسیون های اصلی و فرعی در مجمع کوشیده اند تا برآیند ظاهری و تجمیع گزاره های موسوم به سیاست را گرد هم آورند و با هر پیشینه و پسینه و جزئنگری بر آنها لباس کلی پوشانده اند. البته بر حسن نیت این عزیزان تردیدی وجود ندارد اما میان این دست سیاست ها تا سیاست های کلی که بتواند چشم انداز بیست ساله را برای برنامه های توسعه پنج ساله کارساز کند، فاصله بسیاری وجود دارد.

- عدم ارائه گزارش عملکرد سیاست های کلی از زمان تصویب تاکنون

یکی از امور مهم که از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد غفلت قرار گرفته است ارائه گزارش عملکرد سیاست های کلی تصویب شده بصورت سالانه است. سیاست های کلی پس از ابلاغ در جامعه ذینفعان آن با چه سرنوشتی روبرو شده است؟ آیا میان میدان جامعه در اجرا یا در کنج گنجه ها و کتابخانه ها مشغول خوردن گرد و خاک است. زندگی جامعه گرا یا ارزشی و سرنوشت قابل پیش بینی سیاست های کلی نظام است که اعلام نظر اندیشمندان در تحولات اجتماعی و رشد روزافزون مشکلات در زندگی مردم می تواند ارجحیت یکی را بر دیگری تعیین کند.

- عدم رعایت همahنگی شکلی و ظاهری قانونگذاری در تدوین سیاست های کلی

نگاه گذرا به مجموعه سیاست های کلی نظام نشان می دهد که رویه واحدی در تدوین و تصویب سیاست های کلی وجود ندارد. ناهماهنگی در عنوانین داخلی و طبقه بندی سیاست ها، جفافادگی برخی از سیاست ها پس از گذشت ۱-۲ دهه، نحوه شماره گذاری بندهای سیاست ها، بکارگیری مجدد واژه ها مانند نقطه، نقطه ویرگول، کما و... از جمله ضعف های ظاهری سیاست های کلی است. در برخی از سیاست ها، افعال گزاره های سیاستی در شکل اسم مصدر و در بعضی در قالب جمله کامل دارای فعل بکار رفته است. اندازه جملات در متن نامتناسبی واژگان نیز در بسیاری از موارد دارای انسجام دورنی لازم نیست.

- نظارت ناپذیریودن مصوبات مجمع توسط نهادهای نظارتی  
از نظر قانون، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی نهادهای فرادست قانونگذاری قابل نظارت نیست. نظارت ناپذیر بودن مصوبات مجمع بطور طبیعی برخی ناهماهنگی ها و ناسازگاری ها را به همراه دارد زیرا نهاد نظاری وجود ندارد که زمینه

هماهنگی را فراهم و با زمینه ناهماهنگی ها مقابله کند. مجمع تشخیص مصلحت نظام برای انجام وظایف و مأموریت های خود سند فرادستی جز قانون اساسی ندارد و باید برنامه های کلان و خرد خود را بر اساس آن تنظیم کند. اما اگر نهادی بر عملکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام نظارت داشت می توانست که به اقدامات کوتاه و بلندمدت آن جهت بدهد و آنها را برای نقش آفرینی موثر مهیا سازد.

- ناهماهنگی مصوبات مجمع با شرع و قانون اساسی  
موضوع تطبیق مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام با شرع و قانون اساسی مشکلی است که راه حل مناسبی برای آن وجود ندارد. جایگاهی مانند شورای نگهبان وجود ندارد که همجون مصوبات مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت را بر اساس شرع و قانون اساسی بسنجد و مغایرت های آن را مشخص سازد. از این رو این اشکال و همیشه وجود دارد که تأمین کننده وجه شرعی و تناسب دهنده با قانون اساسی در مصوبات مجمع چیست؟

شاید یکی از دلایل منتقدان سیاست های کلی نظام نیز اشاره به همین موضوع است. دناهماهنگی سیاست های کلی با شرع و قانون اساسی، جایگاه اجتماعی

هر سه را با مخاطره مواجه ساخته است.

- غلبه نگاه بخشی در مصوبات مجمع  
یکی از ضعف های کاملا قابل ملاحظه در سیاست های کلی برنامه پنج ساله دوم توسعه، محدود کردن آنها به روابط بخشی است در حالی که حیات سیاست ها آن هم از نوع کلی آن، وابسته به نگاه بین بخشی و فرابخشی آن است. جزیره انگاری کارکردهای اجتماعی می تواند سیاست های کلی نظام را در موضوعات خاص تاحد سیاستگذاری اجرایی در سطح یا اداره و سازمان با نزول شان نظری و عملی مواجه کند. به نظر می رسد که تدوین کنندگان و

تصویب کنندگان سیاست های کلی برای یک وزر تخته یا یک سازمان سیاست گذاری کرده اند و نه برای پدیده ای اجتماعی و فراگیر و در دل سلاسر پدیده های جامعه در بازه زمانی جسم اندازی بیست ساله.

- عدم پاسخگویی دستگاه های مجری به مجمع  
بررسی عملکرد قوای سه گانه نشان می دهد که گروه مخاطبان و ذینفعان سیاست های کلی نظام تاکنون پاسخگویی مناسبی به مجمع تشخیص مصلحت نظام نداشته اند. بخشی از این کم کاری یا بی کاری در عملکرد نادرست قوای سه گانه پیرامون سیاست های کلی نظام است و بخش دیگر آن به عملکرد مجمع و نقش آفرینی ارگانیک سیاست های کلی در کشور است. هر دو بخش از عدم پاسخگویی ها دارای اهمیت اند و باید برای برطرف شدن آنها تدابیر جدی اندیشیده شود. ذات سیاست گذاری با آگاهی های جامعه ارتباط دارد و تحقق آن بدون پرسشگری و پاسخگویی امکان ندارد.

- ضعف کار تخصصی و مبنایی در مجمع  
بررسی حیات اجتماعی سیاست های کلی نظام در طول سه دهه گذشته بیانگر این موضوع است که علیرغم فعالیت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام تا چند سال پیش در مجمع، کار تخصصی و مبنایی پیرامون سیاست های کلی نظام انجام نشده است. برخلاف روش جاری مجمع در تدوین و تصویب سیاست های کلی، با ملاحظه علایم ناکارآمدی به هر دلیل می بایست روند تصویب این سیاست ها با ضمانت اجرای کارآمدی تغییر کند. تداوم روش ناکارآمد به ناکارآمدی روندهای فرادست و فرودست سیاست های کلی منجر می شود و بصورت چرخه معیوب بر سایر حوزه های جامعه نیز سرایت می کند. استفاده از توان علمی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی تخصصی در این زمینه می تواند به کاستی موجود در این زمینه پاسخ مناسب بدهد.

- عدم انتشار مذاکرات مجمع بصورت مستقیم از رسانه های گروهی  
یکی از موضوعات مهم در امر اطلاع رسانی عمومی قوانین و مقررات کشور، ناکافی بودن انتشار قوانین از طریق روزنامه رسمی کشور است. بسیار مهم است در تدوین و تصویب سیاست های کلی، با ملاحظه علایم ناکارآمدی به هر دلیل می بایست روند تصویب این سیاست ها با ضمانت اجرای کارآمدی تغییر کند. تداوم روش ناکارآمد به ناکارآمدی روندهای فرادست و فرودست سیاست های کلی منجر می شود و بصورت چرخه معیوب بر سایر حوزه های جامعه نیز سرایت می کند. استفاده از توان علمی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی تخصصی در این زمینه می تواند به کاستی موجود در این زمینه پاسخ مناسب بدهد.

- عدم انتشار مذاکرات مجمع بصورت مستقیم از رسانه های گروهی  
یکی از موضوعات مهم در امر اطلاع رسانی عمومی قوانین و مقررات کشور، ناکافی بودن انتشار قوانین از طریق روزنامه رسمی کشور است. بسیار مهم است در تدوین و تصویب سیاست های کلی، با ملاحظه علایم ناکارآمدی به هر دلیل می بایست روند تصویب این سیاست ها با ضمانت اجرای کارآمدی تغییر کند. تداوم روش ناکارآمد به ناکارآمدی روندهای فرادست و فرودست سیاست های کلی منجر می شود و بصورت چرخه معیوب بر سایر حوزه های جامعه نیز سرایت می کند. استفاده از توان علمی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی تخصصی در این زمینه می تواند به کاستی موجود در این زمینه پاسخ مناسب بدهد.

- عدم انتشار مذاکرات مجمع بصورت مستقیم از رسانه های گروهی  
یکی از موضوعات مهم در امر اطلاع رسانی عمومی قوانین و مقررات کشور، ناکافی بودن انتشار قوانین از طریق روزنامه رسمی کشور است. بسیار مهم است در تدوین و تصویب سیاست های کلی، با ملاحظه علایم ناکارآمدی به هر دلیل می بایست روند تصویب این سیاست ها با ضمانت اجرای کارآمدی تغییر کند. تداوم روش ناکارآمد به ناکارآمدی روندهای فرادست و فرودست سیاست های کلی منجر می شود و بصورت چرخه معیوب بر سایر حوزه های جامعه نیز سرایت می کند. استفاده از توان علمی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی تخصصی در این زمینه می تواند به کاستی موجود در این زمینه پاسخ مناسب بدهد.

- اطلاع رسانی عمومی می توان آن را از بین برد.  
- ناتوانی سیاست های کلی در تحقق چشم انداز بیست ساله

چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران از طریق سیاست های کلی به برنامه های توسعه پنج ساله تبدیل می شود. ناکامی مجموعه سیاست های برنامه در این زمینه می تواند به کاستی موجود در این زمینه پاسخ مناسب بدهد. چشم انداز اهداف از پیش تعیین شده قانون اساسی بطور طبیعی ناتوانی آنها را در عدم تحقق اهداف قانون بیست ساله در ذهن تداعی می کند. البته نظر اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مبد عدم موفقیت سیاست های کلی نظام در تحقق افق چشم انداز است. راه ورود محتوای چشم انداز مشروع نقش آفرینی سیاست های کلی، عملیاتی شدن چشم انداز برابر زمان بندی تعیین شده دور از انتظار است.

- محدود بودن زمان کاربرد سیاست های کلی در بازه زمانی خاص اجرای دایمی سیاست های کلی وابسته به تصمیم گیری های قاطعی است که اگر مبتنی بر داده های نادرست یا با احتمال خطا همراه باشد می تواند آثار و نتایج ناگواری در جامعه بر جای بگذارد. قید زمانی در سیاست های کلی موجب می شود تا بررسی های تکمیلی در زمان اجرای آن انجام شود و در صورت تایید یا عدم تایید اهداف قانون برای تصمیم گیری مناسب انجام شود و از این طریق آثار ناگوار تداوم نیابد. تاثیر زمان و مقتضیات آن بر اندیشه تدوین کنندگان و تصویب کنندگان سیاست های کلی قطعی است و با تغییر آن ضروری است که سیاست های کلی نیز هماهنگ با آن تغییر کند.

- توجه به کارآمدی سیاست های کلی قبل از تصویب دایمی آنها  
قوانین آزمایشی برای تبدیل شدن به قوانین دایمی نیازمند اثبات کارآمدی خود در بازه زمانی و مکانی مورد نظر قانونگذاران هستند. اصولا قوانین کارآمد بصورت قوانین آزمایشی مصوب و اجرا می شوند و دوران آزمایشی زمانی برای اثبات همین ادعاست. البته قانونگذاران در تشخیص کارآمدی قوانین، دارای مشکلات متعددی هستند اما با وجود این مشکلات، آزمایشی بودن سیاست های کلی در فهم بهتر و تصمیم گیری بهتر قوانین دایمی کمک شایانی می کند. متأسفانه در تشخیص کارآمدی سیاست های کلی اعم از دائمی و آزمایشی، مشکلاتی در قانونگذاری کشور وجود دارد که معمولاً ناشی از عدم دسترسی به داده ها و یافته ها و شواهد میدانی ناشی از اجرای سیاست های کلی است.

- عدم رعایت ارزش رتبه ای مطالب مندرج در سیاست های کلی  
اصولا بخش های گوناگون هر قانون یا متن قانونی دارای ارزش محتوایی یکسانی نیست. برخی از موضوعات بر بعضی دیگر دارای ارجحیت هستند. در واقع مطالب مندرج در یک قانون از نظر میزان تاثیرگذاری بر اجرای صحیح قانون دارای وزن های متفاوتی هستند. برای نظم بخشی بین مطالب دارای ارزش یکسان در یک بسته یا قسمت خاص، کل مطلب قانون بصورت رتبه ای عنوان گذاری و از یکدیگر جدا می شوند. ارزش گذاری واحد به محتوای دارای عنوان واحد به وزن دهی متناسب در کل محتوای مندرج در یک قانون می انجامد که در نوع خود با قانون بدون ارزش گذاری رتبه ای محتوا کاملا متفاوت است. البته در این روش مطالب مهم تر بر مطالب کم اهمیت تر دارای تاکید است.



## کرونا را شکست می دهیم

## مشارکتهای مردمی صحنه های شگفت انگیزی به وجود آورد

مانند طرح قربانی گوسفند، دوخت ماسک و...